



نی بعد از سال ها
سنگ تراشی

استم

امام رضا است

هم رزم شدن در کنار کاوه

پیش از انقلاب اسلامی که به مشهد می‌رسد، در فعالیت‌های مبارزاتی و حضور در تظاهرات با بزرگان انقلابی آشنا می‌شود؛ «با شهید رستمی، دکتر دیلمه و افرادی دیگر خیلی اتفاقی آشنا شدم. برای گشت شب انتخاب شده و عضو کمیته مرکزی در سه راه جم بودم. باشگاه افسران را که گرفتیم، به ما گفتند دوره رنجری ببینیم.» دوره را در لشکر ۷۷ گذراندند تا اینکه کردستان شلوغ می‌شود و به آنجا می‌روند؛ «ما شدیم هم رزم چمران در جنگ‌های نامنظم پاوه.» آنجا گیر می‌افتند و خیلی‌ها ایشان شهید می‌شوند و عده‌ای نجات پیدا می‌کنند که یکی شان رضا صولانی است؛ «من با رستمی و سردار دهقان، سردار حجازی، شهید درچه‌ای، شهید حسینی که در درگیری با ضد انقلاب شهید شدند، هم رزم بودم. دوسه سال از عمرم این طور گذشت.»

در بازگشت به مشهد، کوله بارش ترکش و شیمیایی شدن جسمش بود که البته هیچ وقت برایش پرونده تشکیل نداد. او سال ۵۸ در تربت حیدریه ازدواج کرد؛ همان زمانی که در رفت و آمد به منطقه جنگی کردستان بود. پنج فرزند حاصل این ازدواج است که همگی موفق‌اند.

ساخت آب نماهای بازار رضا در زمان ولیان

سال ۶۰ دوباره به مشهد باز می‌گردد و این بار کار هنری و تراشکاری سنگ را با استاد مسعود شریفان، آقای هاشمی و ساخت ظروف سنگی را با استاد مرحوم غلام‌راد مردتجربه می‌کند. سال ۶۷ اماد میران آستان قدس به واسطه شناختی که از او و کیفیت آب نماهای ساخته او در بازار رضا در زمان ولیان داشتند، دوباره پیشنهاد همکاری به او می‌دهند؛ «سال ۵۲ موقتاً به مشهد برگشتم؛ همان سالی که احداث بازار رضا شروع شد و من در هشتی‌هایش آب نما ساختم. بازار رضا آن زمان، کوچه‌ای باریک بود با خانه‌های خرابه و کوچ و معوج که معتادان آنجا تردد می‌کردند. مردم خانه‌هایشان را نمی‌دادند و ولیان به زور آنجا خراب کرد و ساخت. اما همان زمانی که هشتی‌های بازار رضا را جمع کردند، آب نماها هم جمع شد از وسط بازار و همه معازه شد.»

کارش را که در آستانه شروع می‌کند، مجری طرح استاد محمدرضا دبشیدی است که از نظر کار سنتی سنگ در دنیا حرف برای گفتن دارد؛ «من هنر داشتم و او هم تحصیل کرده هنر بود. من را سپرد به حاجی رفعتی که معمار تراز اول آستان قدس بود و حدود پانزده سال با او کار کردم. او کسی است که گنبد و گلدسته‌های حرم را ساخته است.»

ساخت ۱۷۵ ستون در رواق دارالهدایه

اولین آب نمایی که می‌سازد، در صحن جمهوری است و روی کل سنگ‌های این صحن، نام رضا صولانی حک شده است؛ «من با حاجی رفعتی کار سنگ‌ها را انجام می‌دادم. دقتش خیلی زیاد بود. آدم‌های هنرمند واقعی خیلی سخت گیرند. یک روز آن خدا بی‌مرز من را فرستاد برای اندازه‌گیری پنجره صحن جمهوری. وقتی اندازه‌ها را گرفتم، گفت برو دوباره اندازه بگیر. دوباره رفتم و یک سانت تغییر کرد. تا پنج مرتبه من را فرستاد که اندازه‌گیری کنم تا دست آخر میلی متر اندازه را هم به او گفتم.»

بعد با اینکه تا ۲۵۰ نفر زیر دست صولانی در پروژه‌های مختلف کشور کار می‌کردند، او مهر بانی و جدیت حاجی رفعتی را عجیب کار خودش کرده بود؛ «با اینکه دلم نمی‌خواست آزاری به یک مورچه هم برسد، در کار و بر خورد با کسانی که برای من کار می‌کردند، خیلی جدی بودم؛ چون همان جدیت استاد از من یک سنگ تراش حرفه‌ای ساخت.» او در رواق دارالهدایه ۱۷۵ ستون می‌سازد که کار دست است. و رودی مقابل صحن جمهوری و مسجد گوهرشاد را با نرده‌های منبت کاری شده با دستگاه فرزند دست کار می‌کند. سقاخانه صحن جمهوری با ستون‌ها و آبخوری‌هایش، رواق دارالولایه با نرده‌های سوراخ‌دارش که همه با فرزند انگشتی ساخته شده است را هم کار می‌کند. کف صحن جامع، صحن جمهوری و صحن پایین خیابان، و سنگ‌ها و آب‌نمای مسجد گوهرشاد و آب‌نماهای صحن آزادی هم کار او است. او برای صحن جامع و کارهای سنگش ناچار می‌شود سنگ گرانیات ابزار زنی اختراع کند؛ «چون آن زمان خیلی‌ها با آجر کار می‌کردند، وسیله و ابزار برای تراش سنگ زیاد و حرفه‌ای نبود.» تا سال ۸۹ در آستانه کار می‌کند و قسم به همان ۱۰۰ تومانی سر چارقد مادرش می‌خورد که هیچ وقت یک هزار تومانی هم خیانت در کارش نکرده است.

هیچ جا وطن نمی‌شود

برای کار در کشورهای دیگر پیشنهادها مختلفی به صولانی شده است؛ «برای من هیچ جا وطن نمی‌شود. کنج دنج مزار پدر و مادرم در روستای زادگاهم، امن‌ترین جای دنیا است. دلم که می‌گیرد، سر مزارشان می‌روم. کمی با آن‌ها حرف می‌زنم و سبک می‌شوم.»

کار سنگ سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی در میدان تجریش، برج آسمان تهران در ۲۵ طبقه در سه راه فرمانیه، بانک مرکزی صادرات اصفهان، فرودگاه داخلی شیراز، منطقه ویژه سرخس، راه آهن و فرودگاه و منطقه ویژه چالدران، حوزه علمیه خوانسار، مقبره الشعراي آرامگاه فردوسی و نیز بسیاری از بناهای دیگر در کشور، کار رضا صولانی است.

مبدع جدول سنگی در ایران

آقازاهنوز هم به کارهای خلاقانه سنگی اش ادامه می‌دهد. می‌گوید: اولین کسی که جدول سنگی را در ایران تولید و حتی جدول ۵۰ در ۳۵ را به ترکمنستان صادر کرد، من هستم. طراحی این جدول‌ها را در سال ۹۳ انجام دادم. تا پیش از آن، جدول‌ها همه بلوکه‌های سیمانی بود.

عده‌ای برای بازدید از خط تولید کارخانه می‌آیند و از خط تولید این بلوکه‌ها عکس و فیلم می‌گیرند و دستگاها را برای خودشان می‌سازند و با قیمتی بسیار کمتر، بازار ترکمنستان را دست می‌گیرند.



ما را نمی‌دهند. جهاد هم روی زمین هادست گذاشته، در حالی که ما همه سند داریم.»

آقازاهنوز این روزها ساده‌زیستی را انتخاب کرده و در خانه‌ای معمولی در خیابان حسابی زندگی می‌کند. حتی ماشین ندارد و هر روز با ماشین پسرش به کارخانه می‌روند؛ «من می‌توانستم در شهرکی که آباد است، کارخانه‌دار کنم اما دلیل ماندن همه ما قدیمی‌های بازار سنگ در سنگستان بی امکانات، این است که اگر امکانات به این شهرک بدهند، هر کارخانه‌اش می‌تواند چند صد نفر را نان دهد و مردم بسیاری از آن به آسودگی و رزق حلال می‌رسند.»

سنگستان بدون امکانات

رضا صولانی با هم صنفانش در بازار سنگ یک شهرک دارند به نام «شهرک صنعتی سنگستان توس» که در مقابل پلیس راه امام هادی (ع) قرار دارد و هفتصد نفر در آن سهام دارند و یکی از بزرگ‌ترین شهرک‌های صنعتی غیردولتی شرق کشور است. شهرکی که نه آب دارد، نه برق و نه آبدی. صولانی تلخ‌ترین روزهای زندگی‌اش را همین ۱۰ سال می‌داند که همراه یکی از فرزندان و هفت کارگر دیگر در این شهرک مشغول به کار است؛ «هر روز صبح سحر، بانان داغی برای صبحانه کارگرانم این مسیر را به سوی کارخانه می‌روم تا شاید سنگستان به بار بنشیند اما نه استانداری، نه فرمانداری، نه بنیاد مستضعفان، نه اداره کشاورزی جواب